

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی علل کاهش انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی شهرستان قزوین، در سال تحصیلی (۸۷-۸۶) از نظر دبیران و دانش‌آموزان طراحی و اجرا شد. تعداد ۲۱۴ دانش‌آموز (۱۱۶ پسر و ۹۸ دختر) و هم‌چنین تعداد ۷۵ دبیر (۴۷ نفر زن و ۲۸ نفر مرد) براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه‌ی ۳۵ سوالی پنج‌گزینه‌ای محقق ساخته پاسخ دادند.

مقدمه

جامعه‌ی امروزی در روند حرکت خود در زمینه‌های مختلف، از جمله در زمینه‌ی آموزش و پرورش، با مسائل متعددی روبه‌روست. نهاد آموزش و پرورش، نهادی است که پایه‌های قدرت یک جامعه را پی‌ریزی می‌کند. آن‌چه در نظر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تا زمان حاضر مورد قبول واقع شده این نکته است که، آموزش و پرورش یک سرمایه‌گذاری درازمدت است که با سایر نهادهای اجتماعی جامعه ارتباط متقابل دارد. از جمله مسائلی که آموزش و پرورش با آن روبه‌رو است، کاهش انگیزه یا علاقه به تحصیل در دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره‌ی راهنمایی است. بی‌انگیزه بودن نسبت به تحصیل، گذشته از افت تحصیلی و اتلاف منابع مادی، منجر به ناامیدی و دلسردی دانش‌آموزان شده و زمینه را برای ایجاد مشکلات روحی و انحرافات اجتماعی فراهم می‌کند (امیری‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴).

در اکثر مواقع، مشکل نوجوانان ما فهم مطالب آموختنی نیست، بلکه بی‌انگیزه بودن او نسبت به تحصیل است که مانع یادگیری وی می‌شود. هرگونه بی‌انگیزگی نسبت به تحصیل منجر به افت تحصیلی می‌شود. داشتن انگیزه‌ی مناسب،

تجزیه و تحلیل نهایی نمرات به‌دست آمده با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل و همبستگی «پیرسون» نشان داد که متغیرهایی مانند میزان حجم و محتوای کتاب، عدم احراز شغل، تشویق خانواده به تحصیل، کیفیت آموزشی معلم، کاربرد وسایل کمک‌آموزشی، نارضایتی شغلی معلم و بالاخره وضعیت محیط آموزشی در انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. اما میزان تحصیلات والدین از نظر نمونه‌ی این تحقیق، در انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموز مؤثر نیست. هم‌چنین با مقایسه‌ی نظر دانش‌آموزان و نظر دبیران نتایج زیر به دست آمد. در مورد متغیرهای حجم و محتوای کتاب، عدم احراز شغل، کیفیت آموزشی معلم، وضعیت محیط آموزشی، بین نظر دانش‌آموزان و دبیران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما در مورد متغیرهای تشویق خانواده به امر تحصیل و میزان سواد والدین، بین نظر دانش‌آموزان و دبیران تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: انگیزه‌ی تحصیلی، کیفیت آموزشی، افت تحصیلی، محیط آموزش.

فاطمه قائمی
کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت
ناحیه‌ی یک قزوین

از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان بررسی شد

علل کاهش دانش‌آموزان



دانش‌آموزان را برای انجام رفتار و آنچه که مورد نظر مربی است آماده می‌نماید و نداشتن انگیزه، احتمال وقوع رفتارهای مورد انتظار را در آن‌ها کاهش می‌دهد، تا آن‌جا که باعث حذف موقت و یا دائم آن رفتارها خواهد شد. بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که مفهوم انگیزش، تمایل کلی و تلاش برای رسیدن به هدف‌های معین است و دارای سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری است «هوپ»^۱، ۱۹۳۰، سیریز^۲، ۱۹۴۰، مک کلند^۳، ۱۹۶۷، اتکینسون^۴، ۱۹۷۶، به نقل از اسلاوین (۱۹۸۹). از این نقطه نظر مفهوم «انگیزش» به‌عنوان یک «خصوصیت شخصیتی» نسبتاً پایدار به کار می‌رود و این دو کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند. در واقع انگیزش پایدار، محصول تقویت‌هایی است که فرد برای انگیزه‌های موقتی در همان خصوص دریافت کرده است. عوامل متعددی بر انگیزش موقتی و به تبع آن بر انگیزش پایدار فرد می‌تواند تأثیر گذار باشد.

انگیزش^۵ را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند مداخله‌کننده یا حالت درونی جاندار دانست که او را، وادار یا ترغیب به عمل می‌کند (ربر ۱۹۹۵، به نقل از کریمی، ۱۳۸۲) به نظر شانگ (۱۹۹۰)^۶ انگیزش فرآیندی است که رفتار هدف‌گرا از طریق آن راه‌اندازی و نگهداری می‌شود (واینر، ۱۹۹۰)^۷ «انگیزش غالباً از یادگیری استنباط می‌شود و معمولاً برای روان‌شناسی پرورشی، یادگیری نشانه‌ی انگیزش است.»

موسوی شوستری و همکاران (۱۳۷۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه‌ی جو عاطفی

خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم راهنمایی مدارس اهواز» نشان دادند که بین جو عاطفی خانواده و معدل دانش‌آموز رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. در این تحقیق همبستگی میان تشویق و معدل $r = 29\%$ بوده است.

نریمانی (۱۳۷۲) به همبستگی بالایی بین نگرش معلمان نسبت به دانش‌آموزان و درصد قبولی آن‌ها در کلاس اشاره می‌کند. هم‌چنین معلمانی که نگرش مثبت‌تری نسبت به دانش‌آموزان داشته‌اند از محبوبیت افزون‌تری نیز برخوردار بوده‌اند.

در تحقیق سُکرکن (۱۳۷۴) با عنوان «تأثیر الگوی تحصیلی دانش‌آموزان کلاس چهارم شهر دزفول» این نتیجه که «الگوی فعال تحصیلی، موجب افزایش عملکرد تحصیلی می‌شود» به‌دست آمده است.

در تحقیقی با عنوان «بررسی دلایل کاهش انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان شهرستان‌های استان تهران» (مرادی، ۱۳۸۰) این نتیجه حاصل شد که بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. میان استناد به منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بین اضطراب و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

فلانگان (۱۹۷۰)، در مورد ۲۵ درصد از باهوش‌ترین ولی فقیرترین کودکان، تحقیقی

در اکثر مواقع، مشکل نوجوانان ما فهم مطالب آموختنی نیست، بلکه بی‌انگیزه بودن او نسبت به تحصیل است که مانع یادگیری وی می‌شود

انگیزش^۵ را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند مداخله‌کننده یا حالت درونی جاندار دانست که او را، وادار یا ترغیب به عمل می‌کند

انجام داد که نتیجه‌ی آن نشان می‌دهد، بسیاری از دانش‌آموزان با استعداد که از نظر اقتصادی موقعیت بدی دارند، برنامه‌ی تحصیلی خود را به پایان نمی‌برند. در پژوهش‌های مختلف، تلاش‌هایی برای شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه‌های تحصیلی صورت گرفته است.

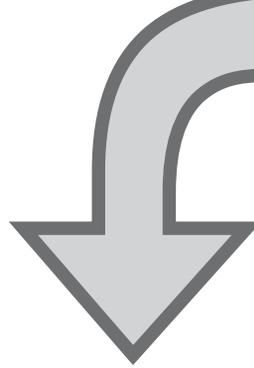
عوامل درونی مؤثر بر انگیزه‌ی تحصیلی عبارتند از: عزت‌نفس، اضطراب، منبع کنترل، خودپنداره، هوش، میزان مطالعه؛ و عوامل بیرونی مؤثر بر میزان انگیزه‌ی تحصیلی عبارتند از: نگرش معلم، وضعیت خانواده، وضعیت محیط آموزشی، کتاب‌های درسی، نحوه‌ی تدریس معلم، وضعیت اشتغال در جامعه و نظارت خانواده. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا عوامل بیرونی که بر انگیزه‌ی تحصیلی مؤثرند، مورد مطالعه قرار گیرند تا راهکارهای عملی به مسئولین تعلیم‌وتربیت پیشنهاد گردد. شناسایی عوامل کاهش انگیزه‌های تحصیلی نیز به جلوگیری از ترک تحصیل و افت تحصیلی دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.

جامعه‌ی نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به این که در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه استفاده شده این پژوهش از نوع زمینه‌یابی است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق را دانش‌آموزان (دختر و پسر) و دبیران (مرد، زن) مشغول به تحصیل و تدریس در مدارس راهنمایی شهرستان

انگیزه‌های تحصیلی دوره‌ی راهنمایی قزوین



بین حجم و محتوای کتب درسی با انگیزه‌ی تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد

بین ناراضیاتی شغلی معلم با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود

قزوین با محدوده‌ی سنی برای دانش‌آموزان (۱۴-۱۳-۱۲) سال و برای دبیران (۲۵ الی ۵۱ سال) تشکیل می‌دهد. از این جامعه براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۱۶ نفر به عنوان نمونه‌ی اولیه انتخاب شدند و پس از حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش تعداد (۲۱۴) دانش‌آموز (۱۱۶ پسر و ۹۸ دختر) و همچنین تعداد ۷۵ دبیر (۴۷ نفر زن و ۲۸ نفر مرد) به عنوان نمونه‌ی نهایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

دو پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته، هر یک دارای ۳۵ سؤال که پایایی آن با استفاده از «آلفای کرونباخ» برای دانش‌آموزان ۸۰ و برای دبیران ۹۲/۶۶ برآورد گردید. لازم به ذکر است که داده‌های تحقیق با استفاده از شاخص‌های آماری، محاسبه‌ی فراوانی، درصد میانگین، انحراف استاندارد و آزمون T گروه‌های مستقل، ضریب همبستگی «پیرسون» مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی مورد مطالعه نشان داد که از ۲۱۴ نفر دانش‌آموز (۱۱۵ نفر پسر و ۹۸ نفر دختر) مورد پژوهش، ۵۴ درصد پسر و ۴۶ درصد دختر بودند که کمترین معدل در میان آن‌ها ۶ و بالاترین معدل ۱۴ و میانگین معدل آن‌ها ۱۰/۹۹ می‌باشد. ضمناً تقریباً ۵۰ درصد پدران آن‌ها دارای تحصیلات ابتدایی و ۶۶/۴ درصد مادران شان دارای تحصیلات ابتدایی

یا بی‌سواد بوده‌اند.

ویژگی‌های نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی دبیران نیز بدین شرح می‌باشد. از ۷۵ نفر دبیر راهنمایی (۴۷ نفر زن و ۲۸ نفر مرد) مورد پژوهش ۶۲ درصد را دبیران زن و ۳۸ درصد را دبیران مرد تشکیل داده‌اند. کمترین سابقه‌ی کار آن‌ها ۴ سال و بیشترین سابقه ۳۰ سال و میانگین سابقه‌ی کار ۱۹ سال بوده، حداقل سن آن‌ها ۲۵ سال و حداکثر سن ۵۱ سال و میانگین سن آن‌ها ۳۷ سال می‌باشد.

از سوی دیگر حدود ۴۲/۷ درصد دبیران دارای مدرک فوق‌دیپلم و ۴۸ درصد لیسانس، ۴۰ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و ۱/۳ درصد دیپلم و ۴ درصد نیز تحصیلات خود را ذکر نکرده بودند. با استفاده از آزمون T گروه‌های مستقل و ضریب همبستگی پیرسون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن آورده می‌شود.

فرضیه‌ی اول: بین حجم و محتوای کتاب‌های درسی با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموز، رابطه وجود دارد. همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۲۶۱ درصد می‌باشد که چون از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر است، بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که بین حجم و محتوای کتب درسی با انگیزه‌ی تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این رابطه، نشانگر آن است که فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی دوم: بین عدم احراز شغل و انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. در مورد این متغیر نیز همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۰/۲۵۲ می‌باشد که چون از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر است با اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم بگوییم که بین عدم احراز شغل با کاهش انگیزه‌ی تحصیلی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و بیانگر آن است که فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی سوم: بین تشویق خانواده به

تحصیل فرزندان و انگیزه‌ی تحصیلی رابطه وجود دارد. نتایج به شرح زیر است:

همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۰/۲۸۲ است، که چون از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌گوییم که بین تشویق خانواده به امر تحصیل و انگیزه‌ی تحصیلی رابطه وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود. فرضیه‌ی چهارم: بین ناراضیاتی شغلی معلم با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۰/۳۳۱ است که از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر می‌باشد و نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین ناراضیاتی شغلی معلم با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی پنجم: بین کیفیت آموزش معلم و کاربرد وسایل آموزشی با انگیزه‌ی تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۰/۲۰۴ می‌باشد که چون از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر است با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم بگوییم که بین کیفیت آموزش معلم و کاربرد وسایل آموزشی با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموز، رابطه‌ی معناداری وجود دارد یعنی فرض تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی ششم: بین میزان تحصیلات والدین با انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموز رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۳۲ درصد است؛ که چون از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) کوچک‌تر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم بگوییم که

بین تحصیلات والدین و انگیزه‌ی دانش‌آموز رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و فرضیه‌ی تحقیق رد می‌شود.

فرضیه‌ی هفتم: بین وضعیت محیط آموزشی و انگیزه‌ی تحصیلی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد چون همبستگی محاسبه شده در سطح ۵ درصد با درجه‌ی آزادی ۲۱۳ برابر با ۰/۲۶۷ می‌باشد و از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) بزرگ‌تر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین وضعیت محیط آموزشی و انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

همه‌ی فرضیه‌ها با نتایج تحقیقات پیشین هم‌سویی دارد به جز تأثیر تحصیلات والدین که به دلیل افزایش سطح سواد والدین و کلیه‌ی اعضای خانواده به نظر می‌رسد که دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل دیگر مانند خواهر یا برادر و یا دبیران و مشاورین و هم‌چنین وسایل ارتباط جمعی باشند و تحت تأثیر سابقه‌ی تحصیلی والدین خود قرار نگیرند زیرا همه‌ی خانواده‌ها به تحصیلات اهمیت می‌دهند حتی اگر خود والدین، افراد کم‌سواد و یا بی‌سوادی باشند.

در پایان نیز این نتیجه حاصل شد که تشویق خانواده به تحصیل و نظارت والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را در ایجاد

انگیزه‌ی تحصیلی در بین دانش‌آموزان دارد که این مورد بایست در نشست دبیران با والدین دانش‌آموزان، جلسات انجمن اولیاء و کلاس‌های آموزش خانواده مورد توجه قرار گیرد، و آموزشگاه‌ها فرصتی برای گفت‌وگو بین دبیران و اولیاء در برنامه‌ی درسی خود در نظر بگیرند.

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل کاهنده‌ی انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که نقش محتوای کتاب در کاهش انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی حدود ۷ درصد است که این یافته با نتایج تحقیقات (گلی‌زاده، ۱۳۸۷، کیزلیک، ۲۰۰۲، محمودی، ۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که بین تشویق خانواده به امر تحصیل و انگیزه‌ی تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همبستگی بین این دو متغیر حدود (۰/۲۵۲) است. این یافته نیز با نتایج تحقیقات (مرادی، ۱۳۷۹ و بهرام‌زاده، ۱۳۷۲) هم‌خوان است. هم‌چنین نتایج، نشان می‌دهد که بین کیفیت آموزش معلم و کاربرد وسایل کمک‌آموزشی با انگیزه‌ی تحصیلی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و همبستگی این دو (۰/۲۰۴) است. این یافته نیز

جدول ۱. بررسی رابطه‌ی متغیرهای وابسته به انگیزه‌ی تحصیلی

متغیر	همبستگی جدول	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌دار	تعداد	همبستگی محاسبه شده
حجم و محتوای کتاب	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۲۵۵	۲۱۴	۰/۲۶۱
عدم احراز شغل	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۲۵۲
تشویق خانواده	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۰۰۲	۲۱۴	۰/۲۸۲
نارضایتی شغلی معلم	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۲۳۱
کیفیت آموزشی معلم	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۰۰۳	۲۱۴	۰/۲۰۴
تحصیلات والدین	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۶۵۱	۲۱۴	۰/۰۳۱
وضعیت محیط آموزشی	۰/۱۳۸	۲۱۳	۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۲۶۷

با نتایج تحقیقات (افروز، ۱۳۷۴، البرگ، ۱۹۹۱، شاهسونی، ۱۳۷۹) هم‌سویی دارد، هم‌چنین همبستگی بین نارضایتی شغلی معلمان و انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان (۰/۲۳۱) است که این یافته نیز با تحقیقات (هاماچک، ۱۹۸۷ و پایدار، ۱۳۷۷) هم‌خوان است و نشان می‌دهد که بین نارضایتی شغلی معلمان و انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج دیگر نیز اذعان می‌دارد که بین وضعیت محیط آموزشی و انگیزه‌ی تحصیلی رابطه وجود دارد و همبستگی بین آن‌ها (۰/۲۶۷) است. این یافته نیز با یافته‌های (کیت و کول، ۱۹۹۲، طالب‌زاده، ۱۳۷۸) هم‌سویی دارد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که بین عدم احراز شغل و کاهش انگیزه‌ی تحصیلی رابطه وجود دارد و همبستگی بین این دو (۰/۲۵۲) است. این یافته با نتایج تحقیقات (محمدی، ۱۳۷۸ و مک‌هاوزن و دیگران، ۱۹۸۵) هم‌خوانی دارد. اما در تحقیق مشخص گردید که تحصیلات والدین در انگیزه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر نیست، زیرا همبستگی بین این دو متغیر ۳۱ درصد می‌باشد که نتایج آن نیز با تحقیقات پیشین هم‌سویی ندارد و دلیل آن نیز می‌تواند تأثیر عوامل دیگری باشد از جمله، تحصیلات خواهران و برادران بزرگ‌تر و ارتقاء سطح فرهنگ خانواده و هم‌چنین انتظارات بالای دانش‌آموزان و وسایل ارتباط جمعی که همه‌ی خانواده‌ها را مجاب به ادامه‌ی تحصیل کرده است، یعنی چه پدر و مادر باسواد باشند و چه بی‌سواد خواستار آن هستند که فرزندان‌شان دارای تحصیلات سطح بالایی باشند.

پی‌نوشت

1. hoop
2. sears
3. macclle land
4. Atkinson
5. motivation
6. shank
7. wienar